

تأملی در برخی نقش‌مایه‌های نمادین حیوانی بر مهرها و گل‌مهرهای ساسانی (نمونه‌های مورد پژوهش: مهرها و گل‌مهرهای ساسانی موزه مقدم)

مصطفی ده پهلوان*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد قنوتی هندیجانی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

(از ص ۴۷ تا ۶۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

یک دسته از مواد فرهنگی دوره ساسانی که اطلاعات فراوانی در اختیار ما قرار می‌دهند، مهرها و گل‌مهرها هستند. در موزه مقدم دانشگاه تهران تعدادی مهر و گل‌مهر مربوط به دوره‌های مختلف وجود دارد که به طور شایسته‌ای معرفی نشده‌اند. در این مقاله مهرهای دوره ساسانی این موزه با نقوش نمادین حیوانی معرفی می‌شود. پس از تهیه اثر مهرها و عکس‌برداری، مهرها با مجموعه‌های مهم موزه‌ای و خصوصی جهان و نیز مجموعه گل‌مهرهای به دست آمده از قصر ابونصر و مجموعه تخت سلیمان مقایسه شدند. برخی از مهرهای موزه مقدم در هیچ موزه یا مجموعه خصوصی دیده نشده و برای نخستین بار معرفی شده‌اند که سه مهر از این گروه دارای کتیبه هستند. در ادامه، جایگاه نمادین هر کدام از نقوش حیوانی بررسی شده است. گفتنی است تفسیر برخی از نقوش این مهرها، نکات علمی جدیدی از حضور عناصر میتراثیسم در دوره ساسانی پیش‌روی ما قرار داد.

واژه‌های کلیدی: مهر، گل‌مهر، نقوش حیوانی، ساسانی، میتراثیسم، موزه مقدم

* رایانامه نویسنده مسئول: Mdehpahlavan@ut.ac.ir

۱. مقدمه

از سده هفدهم به بعد، مهرهای ساسانی در مجموعه‌های سلطنتی، مجلل و خصوصی اروپا نگهداری شده‌اند، اما در سال‌های اولیه، توصیفات نادرست از این مجموعه‌ها در دست است که اطمینانی در صحت آنان برای شناسایی مهرها وجود ندارد (2: Gyselen, 2007). فقط در پایان سده هجدهم بود که اطلاعات قابل استنادی از مهرهای ساسانی برای نخستین بار ارائه شد. در نیمه نخست سده بیستم علاقه اندکی به مهرشناسی ساسانی وجود داشت، اما در نیمه دوم همین سده، نگاه پژوهشگران تغییر چشمگیری پیدا کرد و علاقه آنان به بررسی این مهرها افزایش یافت؛ در نتیجه، دانش ما نیز از مهرشناسی ساسانی به دنبال آن دگرگون شد.

در این میان فعالیت‌های هورن و اشتایندورف (1891) برای معرفی مجموعه مهرهای ساسانی موزه برلین و سپس دِلپورت (1920, 1923) در معرفی مجموعه مهرهای موزه لوور در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۳ حائز اهمیت است. آنان در طی بررسی‌های خود برخی مهرهای ساسانی را نیز معرفی کرده‌اند. از دهه ۱۹۶۰ و پس از آن، اشتیاق تازه‌ای برای انتشار مهرهای مجموعه‌ها شکل گرفت. در این زمان است که مجموعه‌ها و موزه‌های بزرگ جهان در آسیا، اروپا و آمریکا مجموعه مهرهای ساسانی خود را منتشر می‌کنند. در این میان، محسن فروغی بود که برای نخستین بار مجموعه مهرها و گل‌مهرهای ساسانی خود را در دسترس مهرشناسان قرارداد. ریچارد فرای در سال ۱۹۶۸ شمار زیادی از این گل‌مهرها را منتشر ساخت. از بین مجموعه‌های خصوصی ایرانی می‌توان به مجموعه‌های نایری، پیروزان، عزیر بگلو، مشیری و احمد سعیدی اشاره کرد که مهرشناسان هر یک از آنها را معرفی کرده‌اند.

موزه مقدم دانشگاه تهران که به همت استاد محسن مقدم در خانه شخصی وی راه‌اندازی شده است، دارای مجموعه مهرهایی متعلق به دوره‌های مختلف است. از میان این مجموعه ۲۵ مهر و ۲ گل‌مهر مربوط به دوره ساسانی است. با توجه به اینکه تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی در زمینه مجموعه مهرهای ساسانی به چاپ رسیده است و پژوهشگرانی چون بوریسوف و لوکونین (1963)، دیوید بیوار (1969)، کریستوفر برونر (1978)، فیلیپ ژینیو و ریکا گیزلین و دیگران پیش‌تر به این کار پرداخته‌اند، معرفی بیشتر مهرهای ساسانی بر دانش ما درباره مهرسازی دوره ساسانی و شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این دوره می‌افزاید. از آنجایی که مهرهای موزه مقدم، مانند دیگر مجموعه‌های خصوصی فاقد شناسنامه محل کشف هستند، بی‌شک ما در گاه‌نگاری و تاریخ‌گذاری دقیق‌تر آنها با مشکل مواجه می‌شویم، اما تلاش شده است با مقایسه این مهرها با مجموعه‌هایی که از عملیات کاوش به دست آمده‌اند (مانند مجموعه قصر ابونصر و تخت‌سلیمان)، بتوان آنها را به بافت زمانی اصلی نزدیک کرد؛ البته یکی از مشکلات مهرهای ساسانی، عدم تفکیک برخی از آنها از مهرهای اشکانی است که به‌ویژه در مهرهای فاقد کتیبه بروز می‌کند و تشخیص این مهرها محل اختلاف نظر پژوهشگران بوده است. در میان مهرهای ساسانی موجود در این موزه، بیست مهر و یک گل‌مهر با نقش‌مایه‌های نمادین حیوانی (نبرد شیر و گاو، اسب بال‌دار، گوزن بال‌دار، نیم‌تنه حیوانی و پرندگان) بیشترین تعداد مهرها را به خود اختصاص داده‌اند که در این مقاله از دیدگاه باستان‌شناختی آنها را بررسی می‌کنیم. پیش از پرداختن به مهرهای ساسانی موزه مقدم نیاز است تا درباره اهمیت و گونه‌شناسی مهرهای دوره ساسانی شرح کوتاهی ارائه شود.

۲. اهمیت و گونه‌شناسی مهرهای ساسانی

با توجه به اینکه مطالعات و معرفی مهرهای ساسانی در حدود بیش از یک سده پیش آغاز شده است، هنوز در مراحل اولیه پژوهشی دانش مهرشناسی ساسانی قرار داریم و لذا طبیعی به نظر می‌رسد که در بین پژوهشگران این رشته علمی اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود داشته باشد. این اختلاف‌نظرها بیشتر در گاه‌نگاری و استفاده از اصطلاحات مهرشناسی دیده می‌شود، اما دست‌کم در یک موضوع همه پژوهشگران با هم موافق‌اند و آن وجود دو نوع اصلی مهر در دوره ساسانی است. این دو نوع اصلی به نام مهرهای «اداری» و «شخصی» نام‌گذاری شده‌اند. گوبل (Göbl) برای مهرهای شخصی، زیرگروه‌هایی نیز آورده است؛ مانند مهرهای ازدواج. همچنین از دسته‌ای مهر به نام «مهرهای بیگانه» نام می‌برد که منظور وی مهرهایی است که یا خارج از قلمرو حکومت ساسانی هستند یا پیش از آن به وجود آمده‌اند، ولی در قلمرو ساسانی به کار برده شده‌اند (گوبل، ۱۳۸۴: ۳۸ و ۴۰). بیوار مهرهای ساسانی را از لحاظ شکل به دو دسته «نگین انگشتری» و «مسطح» تقسیم می‌کند؛ گونه نگین‌دار به نوبه خود به پنج زیرگروه تقسیم می‌شود و گونه مسطح آن به صورت قبه‌ای‌شکل است (Bivar 1969 : 22).

ریچارد فرای بر اساس مجموعه گل‌مهرهای قصر ابونصر شیراز، تقسیم‌بندی خود از مهرهای ساسانی را چنین ارائه می‌دهد:

«از مهرها و اثر مهرهای باقی‌مانده و نیز از منابع ادبی، واضح به نظر می‌رسد که حداقل دو نوع مهر در ایران ساسانی استفاده می‌شده است: مهرهای شخصی و اداری. اکثر مهرها، مهرهای شخصی بوده‌اند. این مهرها ممکن است دارای یک کتیبه، با تصویر منفردی از حیوانات، پرندگان، یا یک چهره انسانی باشند و کتیبه‌های آنان نیز حاوی نام شخص یا آرزوی یک دین‌دار بوده است» (Frye, 1973 : 47).

مهرهای اداری نیز تصویر و نقش ندارند و فقط دارای کتیبه‌ای در دو یا سه سطر در مرکز و همچنین کتیبه‌ای در دورتادور مهر هستند. این کتیبه‌ها حاوی عنوان و لقب رسمی یک مقام دولتی به همراه یک یا چند نام جغرافیایی هستند که ما را در شناخت جغرافیای اداری و نیز سازمان‌بندی اجتماعی و اداری ساسانی یاری می‌رسانند. اهمیتی که در این دسته از مهرهای ساسانی وجود دارد این است که بر روی آنها از شهرهایی نام برده می‌شود که بر روی سکه‌ها و نیز دیگر اسناد تاریخی خبری نیست؛ در نتیجه شناخت ما را از شهرهای ساسانی و جغرافیای اداری این دوره تاریخی افزایش می‌دهد (Gyselen, 1989).

اما دسته دیگری از مهرهای ساسانی مشهور به «مهرهای نشان» نیز وجود دارند که می‌توان آنها را ترکیبی از مهرهای اداری و شخصی دانست؛ چرا که هم در آنها حروف اختصاری و هم تصویر خاصی مانند یک حیوان به صورت انتزاعی دیده می‌شود. گوبل در نام‌گذاری این دسته از مهرها با بقیه اختلاف نظر دارد و آنها را مهرهای علائم پرچم نام‌گذاری کرده است (گوبل، ۱۳۸۴: ۱۳۸). فرای به تقسیم‌بندی این دسته از مهرهای ساسانی پرداخته است. وی آنها را منوگرام‌های حرفی، اسامی، یا علائم اختصاری در هم تنیده‌ای در قالب یک طرح یا الگو می‌داند. برخی از آنان بسیار انتزاعی هستند و حروف فارسی میانه در آنها به سختی قابل تشخیص است (Frye, 1973 : 54).

یکی از مسائلی که همواره در پژوهش و بررسی مهرهای ساسانی وجود دارد، گاه‌نگاری آنهاست. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در روش‌های تاریخ‌گذاری مهرها بین پژوهشگران مهرشناس اختلاف‌نظرهای جزئی

وجود دارد. گوبل در زمینه تاریخ‌گذاری مهرها بر اساس کتیبه‌های فارسی میانه آن طور که فرای (Ibid: 58) در قصر ابونصر آنها را به سه دوره تقسیم کرده است، با احتیاط زیاد برخورد می‌کند و به یک نوع خط فارسی میانه معتقد است که بر روی مهرها استفاده شده است و بدین‌ترتیب، در زمینه تاریخ‌گذاری مهرها کمک زیادی به ما نمی‌کند، اما کریستوفر برونر (1978) در کنار نظر فرای درباره سه مرحله بودن خط فارسی میانه، از روش‌های دیگری نیز در گاه‌نگاری مهرها استفاده کرده است. روش دیگر گاه‌نگاری مهرهای ساسانی استفاده از اشکال ویژه این مهرهاست که بیوار (1969: 22) ارائه کرده است. گاه‌نگاری نسبی این گونه‌ها را شاید مدارک کتیبه‌نگاری و جزئیات پیکرنگاری نیز حمایت کند (Brunner, 1978 : 8-9). هم فرای (1973: 46) و هم گوبل (۱۳۸۴: ۳۶) معتقدند که مهرهای ساسانی مربوط به اواخر این دوره هستند، به‌ویژه گوبل که بر اساس گل‌مهرهای به دست آمده از تخت سلیمان، تاریخ آنها را متعلق به دوره قباد یکم و پس از آن می‌داند، اما برونر با توجه به روش‌های گاه‌نگاری وی که به آنها اشاره شد، برخی از مهرهای موزه متروپولیتن را به سده چهارم میلادی نیز نسبت داده است. شاید یکی از دلایلی که هنوز پژوهشگران نتوانسته‌اند به اجماع کلی درباره گاه‌نگاری مهرهای ساسانی برسند، این است که بیشتر آنها از بافت کاوش‌های باستان‌شناختی به دست نیامده‌اند. همچنین اشتراک برخی از نقش‌مایه‌های اشکانی و ساسانی از دیگر دلایل است.

بر این مهرهای سنگی نیم‌کره‌ای اغلب انگشتی‌شکل، بیشتر نیم‌تنه منفرد یا حیوان به تصویر کشیده شده است، یا گروه کوچکی از آنها، اغلب درون نقطه‌ها قاب شده‌اند یا کتیبه‌ای آنها را محصور کرده است (Williams, 1928: 236). شکلی که بیش از همه به کار می‌رفت، همچنان همان شکل سه چهارم کره با کف مسطح است که در دوران اشکانیان ابداع شده بود. با این حال، مهر دیگری را با پهلوهایی تخت، کف بیضی و سوراخی بزرگ می‌توان از ابتکارات مهرسازان ساسانی برشمرد (پرادا، ۱۳۹۱ : ۲۷۲). گاهی اوقات پشت مهر با یک طرح هندسی به صورت برجسته تزیین می‌شد؛ این شکل اقتباسی از مهر نیم‌کروی است که تکرار شونده است و خاستگاهش ممکن است مهر مخروطی آشوری بوده باشد (Von Der Osten, 1931: 230).

مهرهای ساسانی بیشتر از جنس سنگ یمانی، عقیق، عقیق جگری، همتیت و یشم هستند. در انتخاب سنگ‌ها گاهی اوقات دقت می‌شد تا از نمونه‌هایی استفاده شود که دارای رگه‌های طبیعی بودند و جلوه خاصی داشتند. شیوه حکاکی‌ها نیز تنوع زیادی را نشان می‌دهد؛ در کنار سنگ‌های حکاکی شده استادانه، نمونه‌های ساده و خشن نیز وجود دارد. هیچ نظر قطعی نمی‌توان درباره ارتباط گاه‌نگاری ریخت‌شناسی قطعات گوناگون مطرح کرد. مهرهای بسیاری که در اجرا با هم فرق دارند، ممکن است هم‌زمان بوده باشند (Ibid: 231).

درباره نحوه ساخت و نیز ابزارهای دوره ساسانی کارهای پژوهشی اندکی صورت گرفته است؛ برای نمونه می‌توان به کار خوب گورلیک و گوینت اشاره کرد. برای حکاکی بر روی این سنگ‌های نسبتاً سخت از مته‌های خاصی استفاده می‌شده است. قطر سوراخ‌های مته از ۱،۵ تا ۱۳،۴ میلی‌متر متغیر بوده است (Gorelick and Gwinnett, 1996: 79). به نظر می‌رسد مته‌های ساسانیان از جنس آهن بوده‌اند. نمونه‌هایی از این مته‌ها در سریلانکا و نیز در مصر به دست آمده است که ساسانیان در آنجا برای مدتی استقرار داشتند. به هر حال، مته‌کاری همیشه از انتهای یک قسمت به طرف مرکز حرکت می‌کرد (Ibid: 80). یکی از شیوه‌هایی که در اواخر دوره اشکانی برای ساخت مهرها گسترش پیدا کرد، استفاده از مجموعه‌ای از خطوط صاف و موازی برای ایجاد نقوش و اشکال است (دبواز، ۱۳۸۷ : ۶۰۸).

پیوستگی برخی از نقش‌مایه‌ها و سبک‌های مهرسازی که از دوره اشکانی به دوره ساسانی وارد شده، موجب شده است تا پژوهشگران در انتصاب برخی از مهرها دچار تردید و اشتباه شوند. تک‌چهره‌ها، جانوران مربوط به خورشید، گاو کوهان‌دار و صحنه‌های شکار، همگی در این دو فرهنگ رایج بوده‌اند (اکرم، ۱۳۸۷: ۱۰۰۳). کیفیت متفاوت و غالباً بسیار خوب هر یک از مهرها، نظم و قاعده در تزیین، وجود باقی‌مانده رقم بزرگی از مهرهای اداری و همچنین از شخصیت‌های اداری، این تصور را به وجود می‌آورد که حرفه حکاکی مهر دست‌کم در اواخر دوره ساسانی، نه تنها شکوفایی ویژه‌ای داشته، بلکه دارای مراکز و مدارس ویژه‌ای نیز بوده است که بدون شک، دست‌کم از دوره خسرو اول، به شکلی باید زیر نظر دولت بوده باشد؛ البته کارگاهی درباری، مثل کارگاه‌هایی برای کنده‌کاری و منسوجات وجود داشته است (گوبل، ۱۳۸۴: ۳۹).

۳. مهرهای مسطح با نقش‌مایه‌های نمادین حیوانی موزه مقدم

۳-۱. شیر گاوشکن (حملة شیر به گاو)

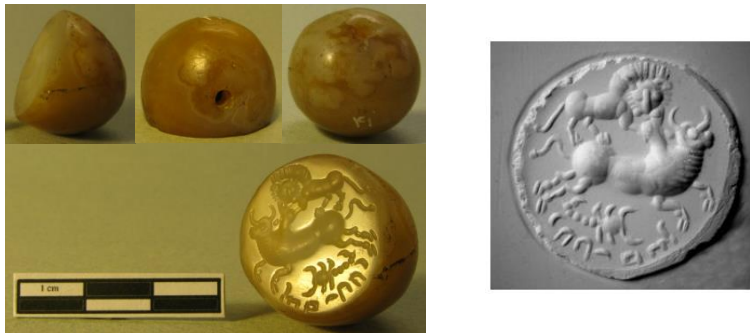
در مجموعه مهرهای موزه مقدم، دو مهر با مضمون حملة شیر به گاو (شیر گاوشکن) دیده می‌شود که به لحاظ ترکیب‌بندی و کار بر روی آنها با یکدیگر متفاوت هستند و نیز نقوش پرکننده در این دو مهر و محل قرارگرفتن کتیبه روی آنها نیز با هم متفاوت است؛ لذا به نظر می‌رسد این مهرها را هنرمندانی که از لحاظ مهارت در ایجاد نقوش در یک سطح نبوده‌اند، در دو کارگاه مجزا ساخته‌اند.

۱. نخستین مهر از این گروه با شماره ثبت ۲۳۲۳ از جنس سنگ عقیق طوسی به ابعاد ۱/۹ سانتی‌متر ارتفاع و ۲/۳ سانتی‌متر قطر و وزن ۱۷/۹۳ گرمی است. شکل مهر به صورت نیم‌کروی و پشت مهر به جز یک سوراخ برای آویختن و نگهداری آن، بدون تزیین و ساده است. در قسمت کف مهر تصویر شیری دیده می‌شود که به یک گاو کوهان‌دار از گونه گاوه‌های معروف به سندی (شبه‌قاره هند) حمله کرده و بر پشت گاو سوار شده است. گاو در حال دویدن به صورت چهارنعل و کوهان آن بسیار بلند نقش شده است، در حالی که قسمت کفل آن برآمده و پهلوه‌های باریک تصویر شده است. هنرمند مهرساز تلاش کرده است تا اجزای بدن این گاو را طبیعی جلوه دهد، ولی چندان موفق نبوده است. پاهای جلویی گاو نسبت به پاهای عقب که کشیده شده‌اند، کوچک‌تر تصویر شده و در عوض سم‌های حیوان به گونه طبیعی‌تری حک شده است. بدن گاو به صورت نیم‌رخ و شاخ‌های آن حالت تمام‌رخ دارند. با این سبک اخیر در نقش کردن گاوه‌های سندی در بین‌النهرین آشنا هستیم. درست در زیر شکم این گاو تصویر یک عقرب دیده می‌شود. در اثر مهرهای شماره Nr.219,227,252 تخت سلیمان به نقش عقرب به عنوان طرح زمینه برمی‌خوریم. در سه نمونه یاد شده از تخت سلیمان، عقرب به عنوان طرحی ضمیمه در کنار شیرها قرار دارد. هر دو حیوان در مهرپرستی نقشی را ایفا می‌کنند (گوبل، ۱۳۸۴: ۶۰). در زیر نقش عقرب، کتیبه‌ای به فارسی میانه (پهلوی ساسانی) حک شده است که در جهت عقربه‌های ساعت از ۵ تا ۷ و بر اثر این مهر بر خلاف عقربه‌های ساعت از ۷ تا ۵ تداوم دارد. با توجه به ناخوانا بودن و خوانش چندگونه دو حرف از این کتیبه، خوانش احتمالی این کتیبه عبارت است از:

جاویدان $y^{\wedge}wyt^{\wedge}n = J^{\wedge}awed^{\wedge}an$

همان‌طور که بیان شد بر پشت این گاو تصویر یک شیر نقش شده است که بر خلاف تصویر گاو که حالت حرکت در آن دیده می‌شود، شیر حرکتی ندارد و در حالی که بدنش به صورت نیم‌رخ تصویر شده، سرش از

روبه‌رو نقش شده است. همان جزئیات اندکی که در تصویر گاو مشاهده کردیم، در نقش شیر نیز به صورت تصویر کردن یال‌های حیوان دیده می‌شود. هنرمند مهرساز در ایجاد نقش شیر مهارت زیادی نداشته است و تصویر او از شیر بسیار ساده و خالی از مهارت است. در عوض، در خلق تصویر گاو و عقرب گویا مهارت بیشتری داشته است. در ساخت این مهر از ابزار متنه کمانی استفاده شده است که در هنر مهرسازی اشکانی و ساسانی روش غالب بوده است. نمونه‌های قابل‌مقایسه با این مهر را می‌توان در پژوهش دُلپورت (1923: PL110) و برونر (1978: 98, 99) مشاهده کرد. بر روی تمامی مهرها و گل‌مهرهای به دست آمده از دوره ساسانی فقط یک نوع گاو دیده می‌شود و آن هم گاو کوهان‌دار است که بومی فلات ایران نیست، بلکه مربوط به دره سند بوده است و این بسیار جالب می‌نماید و جای بررسی ویژه‌ای دارد که چگونه این نوع گاو در هنر مهرسازی ساسانی رسمیت یافته است. در تخت سلیمان حمله شیر به گاو کوهان‌دار (Nr.513-14) وجود دارد؛ با این اختلاف که شیر از روبه‌رو، یعنی از قسمت سر حیوان به گاو حمله برده، بر عکس دو نمونه موزۀ مقدم که از پشت به گاو حمله شده است (Gignoux et Gyselen, 1982, PL.XIX, 33.9-10)



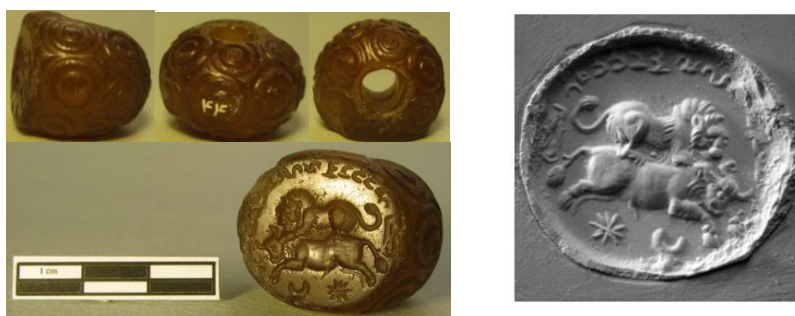
۲. دومین مهر با نقش مایه مشابه با شماره ثبت ۳۵۵۱ از جنس سنگ عقیق به ارتفاع ۲/۴ سانتی‌متر و قطر ۲/۲ سانتی‌متر و وزن ۲۶/۵۷ گرم است. در این مهر نیز مانند مهر پیشین تصویر اصلی حمله یک شیر به یک گاو نر ترسیم شده است که برخلاف مهر پیش گفته، گاو از نوع گاوهای کوهان‌دار سندی نبوده است و این گونه نقش گاو بر روی مهرهای ساسانی به ندرت دیده می‌شود؛ چرا که نقش اغلب گاوهای به تصویر کشیده شده روی گل‌مهرها یا مهرهای ساسانی گاوهای کوهان‌دار هستند و به صورت یک نقش ثابت و استاندارد دیده می‌شود. شاید بتوان گفت که این نخستین بار است که ما تصویر گاو بومی ایران را روی مهرهای ساسانی مشاهده می‌کنیم. نقش اصلی شامل شیری است که بر پشت گاوی جهیده است و به گونه‌ای به تصویر کشیده شده که در حال از پای در آوردن گاو است و در واقع صحنه شکار گاو توسط شیر دیده می‌شود. یکی دیگر از تفاوت‌های مهم این مهر نسبت به مهر پیشین، طبیعت‌گرایی استادانه‌ای است که هنرمند مهرساز در ایجاد نقش دو حیوان ایجاد کرده است. در این مهر گویا هنرمند در به تصویر کشیدن جزئیات بدن و حالت تحرک اندام و عضلات دو حیوان موفق‌تر بوده و به احتمال زیاد در کارگاهی سلطنتی ساخته شده است و شاید بتوان گفت در نوع خود بی‌نظیر است. دلیل ما برای این ادعا، یکی سبک بسیار طبیعت‌گرا و زنده نقش‌مایه‌های مهر و دیگر، داشتن تزئینات در پشت مهر و جنس آن است که در مهر قبلی این موارد دیده نمی‌شد.

در زیر بدن گاو تصویر یک ماه و یک ستاره دیده می‌شود؛ همان نقشی که بر روی مهرها و اکثر سکه‌های ساسانی می‌توان دید. نوشته‌ای نیز به فارسی میانه (پهلوی ساسانی) بر قسمت بالای مهر و در جهت عقربه‌های

ساعت از ۹-۱۵ و بر روی اثر این مهر برخلاف جهت عقربه‌ها از ۱۵ تا ۹ دیده می‌شود. تفاوت آن با نوشته مهر پیشین صرف نظر از طول نوشته، قرارگرفتن آن بر بالای بدن شیر است. این کتیبه از شاخ‌های گاو شروع و پس از طی کردن یک خط سیر نیم‌دایره به انتهای دم گاو ختم می‌شود. قسمت‌های اول و آخر کتیبه نیز به دلیل شکستگی لبه‌های مهر مخدوش شده است که خوانش آن به طور کامل میسر نشد. نتایجی که از تلاش برای خوانش این کتیبه صورت گرفت، بدین قرار است:

.....yh ZY kwldty? BRH (pur)

بخش زیادی از واژه نخست مخدوش شده است، واژه دوم هزوارش ZY است. به دلیل مخدوش بودن نیمه بالایی حروف ۳، ۴ و ۵ خوانش واژه سوم درست امکان‌پذیر نبود و تنها واژه‌ای احتمالی حدس زده می‌شود که شاید نام خاص باشد! نیمی از حروف ۲ و ۳ واژه چهارم هم مخدوش است، ولی با توجه به واضح بودن حرف ۱ و ۳ تشخیص هزوارش BRH به معنی پور و پسر امکان‌پذیر شد، هرچند از لحاظ دستور زبان پهلوی پس از این واژه باید نام یک شخص باشد که نیست و جای تعجب است!!



تحلیلی اجمالی از نقش‌مایه نمادین شیر گاوشکن

رایج‌ترین نقش‌مایه حیوانی که روی مهرهای ساسانی ظاهر می‌شود، شیر است. این حیوان از طرفی در نمادشناسی مهرپرستی رومی دیده می‌شود و از سویی داشتن پیوستگی با میترا نیز روی مهرهای ساسانی تعجب‌انگیز نیست (Bivar, 1969 : 26). بیشترین گروه چهارپایان در تخت سلیمان شیرها هستند. تعداد شیرها با نقشی از نمادهای ستاره‌شناسی، هلال ماه، ستاره و نیز عقرب، از انواع دیگر بیشتر است (گوبل، ۱۳۸۴ : ۶۲). در آیین زردشتی شیر، مانند گرگ، به عنوان یکی از مخلوقات اهریمن سخت نکوهش شده است (Dēnkard VII.8.45)، اما روی مهرها ظاهراً خوش‌یمن بوده است؛ در هر حال، با مقام پادشاهی و مفهوم قهرمانی تعارض ندارد (Brunner, 1978 : 94). در سده سوم میلادی، بهرام دوم بر سر در مشهد در حال کشتن شیری در برابر خانواده خود نشان داده شده است. ظروف سیمین، پادشاهان را سوار بر اسب یا پیاده در حال شکار شیر نمایش می‌دهند (Orbeli and Trever, 1935, pl.6; Grabar, 1967, no.4; Harper, 1973, PLs.10, 11, 14, 25, 37, 38; Fry, 1973, D.76; Gignoux et Gyselen, 1982, PL.VII, 13.12-14; Gignoux et Gyselen, 1987, PL.XIV, 13.1, 13.3; Gignoux et Gyselen, 1982, PL.VI, 13.5-8; Gignoux et Hinz, 1969, pl.120). مبارزه تن‌به‌تن انسان با شیر (Gyselen, 1987, PL.V, 13.2-3) به عنوان نیم‌تنه‌ای برای یک تاج شاهانه، در نقش برجسته نقش رستم بهرام دوم (Hinz, 1969, pl.120) و برای تاج‌های هم‌زمان کوشانو - ساسانی تأکید می‌شود. در شاهنامه «شیر» و «شیرمرد» اصطلاحات متداول برای جنگاوران بزرگ هستند. اگرچه در آیین زردشتی به آن اهمیت ستاره‌شناسی

و اسطوره‌ای داده نمی‌شود، تصویر آن به ندرت بال‌دار است و این ویژگی از نمادگرایی ستاره‌ای خبر می‌دهد. همچنین نقش شیر بدون بال بر روی پارچه‌های افراسیاب به سبک ساسانی دیده می‌شود (Brunner 1978 : 95). گویل گاو کوهان‌دار را مرتبط با آئین آناهیتا - نانا می‌داند (گویل، ۱۳۸۴ : ۶۴). مهرهای ساسانی معمولاً گاو نر را به عنوان حیوان طبیعی تصویر می‌کنند (Brunner 1978: 77). بازنمایی‌های دیگر آن در اسطوره‌شناسی، اهمیت اجتماعی آن را منعکس می‌کند. گاو نخستین (گاو ایکداد)، مانند گیومرد، در یورش اهریمن و دیوهای وی کشته شد و زمین را با خون خود حاصلخیز کرد و ۵۵ نمونه بذر و دوازده گیاه دارویی به وجود آورد، نطفه‌اش به ماه برده شد و از آن نخستین جفت‌گاو و سپس دیگر نمونه‌ها به وجود آمدند. گاو کوهان‌دار به تنهایی یا به صورت جفت، ایستاده یا لمیده، بال‌دار یا بی‌بال، یکی از اصلی‌ترین نقوش مهر است و به احتمال قوی در دوره اشکانی نیز به کار می‌رفته است. این جانور بی‌تردید هم‌زمان نشان‌دهنده ماه و گاو یکتا آفریده است (اکرم ۱۳۸۷ : ۹۸۹). بدن گاوهای نر کوهان‌دار از نیم‌رخ و شاخ آنها از روبه‌رو تصویر شده‌اند. هلال ماه، شاخ‌ها و اغراق در کوهان پشت نمونه‌ای مسبک ساده از دوره پارتی هستند (Harper, 1973: 74). همچنین شیر نماد خورشید است. گاو نیز جانور خورشیدی است و مهر مشخصاً گاو خوانده می‌شود (Darmesteter, 1883: 141).

تحلیل محتوایی مبارزه حیوانات در دوره ساسانی به نظر نمی‌رسد که هنوز کاملاً درک شده باشد؛ البته گروه‌هایی وجود دارند که معنای عمیق‌تری از یک نظریه علمی دارند؛ چنان‌که اگر برای مثال شیری یک گاو نر کوهان‌دار را می‌درد، به نظر می‌رسد حدس بیوار (1969: 26) در این باره که شیر ممکن است با میتره مرتبط باشد، کاملاً مورد تأیید است؛ چون در مهرپرستی رومی میتره گاو نر را می‌کشد، در حالی که منابع مزدیسنايي در این باره کاملاً سکوت کرده‌اند (گویل، ۱۳۸۴ : ۶۵). در مجلس حمله شیر به گاو کوهان‌دار در کیش (بالتروشائیتیس، ۱۳۸۷ : ۷۹۵) گونه‌ای دیگر از نقوش روی مهرها را در گچبری ساسانی می‌بینیم.

مضمون شیری که گاو را می‌گیرد، در شماری از مهرهای ساسانی استفاده شده است. سده‌های متمادی در آرایه‌ها جای گرفته و بر پایه نظام اسطوره‌ای - نجومی ایرانی، تعبیری چون تابستان بعد از زمستان، اعتدال ربیعی یا سال نو داشته است. طرح معمول شیر و عقرب نیز به همان اندازه می‌تواند به موضوع انتقال از تابستان به پاییز مربوط باشد (اکرم، ۱۳۸۷ : ۹۹۱). نبرد شیر و گاو پیشینه‌ای دور، عمیق و پیچیده دارد. شاید نخستین اثری که به طور بارزی این جلوه اسطوره‌ای و هنری را به نمایش می‌گذارد، آبریز آهکی‌ای متعلق به دوران جمدت نصر (حدود ۳۰۰۰ ق.م) باشد. در برخی از آثار این دوره و دوره‌های تاریخی بعد بین‌النهرین، آثاری با نقش نبرد و تقابل شیر و گاو به فراوانی دیده می‌شود. در برخی آثار شیر بر گاو پیروز و در برخی نیروی گاو بر شیر می‌چربیده است. در برخی آثار نیز آنان بدون نبرد در مقابل هم یا پشت‌سر هم به نمایش کشیده شده‌اند. برخی معتقدند مبارزه بین شیر و گاو نشان از برخورد میان نیروهای الهی دارد و در دوره‌های بعد برای کنترل نیروهای ویرانگر، برخی الهگان همچون اینن و ایشتر، به صورت موجودات اساطیری از قبیل گاوگرد و پهلوان اسطوره‌ای (در قالب انسانی) آفریده می‌شدند. این اقدام بازدارنده بر روی آثار زیادی در بین‌النهرین و ایلام به نمایش گذاشته شده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰ : ۲۳؛ Amiet, 1977, Vol II, Pl. 4-7, Pl. 140-146, Amiet, 1966, Figs. 55-56).

نبرد شیر و گاو در پرسپولیس بسیار مشخص بر روی پلکان‌های ورودی چند کاخ به تصویر کشیده شده است. نقوش نمادین مرتبط با این دو حیوان در جای‌جای تخت‌جمشید ظهور یافته‌اند؛ از سرستون‌ها گرفته تا تزئینات پایه‌های تخت داریوش و خشایارشا و پایه‌های چهارپایه زیر پای شاهان (در برخی مواقع حتی قرص بال‌دار در میان دو ردیف از شیرها و گاوها قرار گرفته‌اند) و... . همچنین این نقش نمادین را هم‌زمان با دوره هخامنشی بر روی آثار زیادی می‌توان دید؛ از سکه‌های ساتراپ‌های هخامنشی گرفته تا ظروف سیمین و سنگی و مهری از سارد که نقش نبرد شیر و گاو (و خورشید و ماه) بر آنها حک شده است (بنگرید به: Henkelman, Jones and Stolper, 2004. Garrison et al, 2001. Meadows, 2005). برخی از باستان‌شناسان و مورخان هنر از قبیل هینتس، هارتنر و اتینگهاوزن و... به جنبه نجومی این نقش معتقدند. آنها شیر (اسد) را نماد خورشید و فصل گرما و گاو (ثور) را فصل سرما و همان صورت فلکی ثور می‌دانند (هینتس، ۱۳۸۰: ۶۷-۶۸؛ Hartner and Ettinghausen, 1964).

ابوالعلاء سودآور نگاه دیگری دارد و معتقد است نبرد شیر و گاو از طرفی به باور ایدئولوژیک داریوش اول هخامنشی (طبق کتیبه بیستون) برمی‌گردد. او از اهورا مزدا مدد خواسته است تا بر دو دنیای روز و شب چیره شود. شیر نماد خورشید و روز و گاو نماد ماه و شب است. از طرفی خورشید و شیر را نماد مهر می‌داند و مهر نیز یکی از خدایانی است که در دوره هخامنشی از او در کنار اهورامزدا و آناهیتا یاد شده است؛ بنابراین، حضور نقوش نمادین شیر و گاو به شکل‌های مختلف در تخت‌جمشید را نشان اعتقادات مهری در دوره هخامنشی می‌داند که این نقش‌مایه‌های مهم در دوره ساسانی هم بر مهرها و دیگر آثار ظاهر می‌شوند (Soudavar, 2010: pp. 214-215).

ابوالعلاء همچنین با زردشتی‌گری محض به عنوان دین رسمی دوره ساسانی و تئوری محض آزار مانویان و مزدکیان مخالف است و معتقد است که وجود نقش مار و عقرب بر روی مهرهای ساسانی می‌تواند نشان‌دهنده این مطلب باشد. او متذکر می‌شود که عقرب و مار جزء موجودات مضر و زیان‌آور (خرفستران) نیستند؛ زیرا عقرب بر روی مهرهای ساسانی در کنار نمادهای خیر و الوهی از قبیل چَمروش (آمروش)، شیر، گاو، خورشید، ماه و چلیپای مهری آمده است. وی به‌ویژه به مهری ساسانی اشاره می‌کند که کتیبه‌ای با مضمون *râstih veh por baxt* و به معنی «راستی بهتر از ثروت زیاد است» دارد که این جمله، عبارتی از گفته‌ها و احکام شرعی آئین مهری محسوب می‌شود. سپس او نقش عقرب بر مهرهای ساسانی را یکی از نمادهای آئین مهری در دوره ساسانی می‌داند^۱ (Soudavar, 2014: Pp. 79-81).

۲-۳. حیوانات بال‌دار

۱-۲-۳. اسب بال‌دار

در مجموعه مهرهای موزه مقدم یک گل‌مهر و دو مهر با تصویر اسب بال‌دار دیده می‌شود که در ادامه آنها را معرفی می‌کنیم.



۱. نخستین مهر از این گروه، مهری به شماره ثبت ۲۲۴۴ به ارتفاع ۱/۳ و قطر ۱/۷ سانتی‌متر، به وزن ۷/۹۴ گرم است. این مهر از سنگ جاسپر (خال خال) تراشیده شده است. در این مهر اسب به سمت راست ایستاده و پای جلویی چپ خود را بلند کرده است.

بال‌های اسب در انتهای آن به صورت فردار و حلقه‌ای نشان داده شده است و در پشت گردن قرار دارد و بال دیگر به صورت افقی مایل است و نوک آن به سمت صورت اسب برمی‌گردد. در این تصویر جزئیات بال‌ها به خوبی نمایان شده و هنرمند مهرساز تلاش کرده است تا اثری طبیعی و واقع‌گرا را بیافریند که تا حدودی نیز در کار خود موفق بوده است.

کریستوفر برونر نقش اسب‌های روی مهرهای ساسانی را به چهار گروه تقسیم می‌کند و این طرز نمایش بال اسب را در گروه الف قرار داده و آن را به سده پنجم و ششم میلادی تاریخ‌گذاری کرده است. در این گروه هر دو بال نشان داده می‌شوند و پره‌های پوشیده را خط‌بندی‌های عرضی مشخص می‌کنند (Brunner 1978: 82). نمونه‌های قابل مقایسه این مهر در پژوهش برونر (1978: 83, Fig 62)، ژینیو و گیزلن (1982, Pl. XXI, 40.18, 40.24)، ویلیامز (1928, No. 62)، فرای (1973, D. 242 – 3)، گوبل (1976, Nr. 482) قابل-مشاهده است. بر اساس تاریخ‌گذاری برونر می‌توان این مهر را به سده پنجم میلادی تاریخ‌گذاری کرد. مهر موزه شرق‌شناسی هاسکل (Haskell) به شماره A.3723 شباهت بسیاری نزدیکی با این مهر دارد و به نظر می‌رسد هر دو در یک کارگاه مهرسازی ساخته شده باشند. از نظر ابعاد و اندازه نیز نزدیک به هم هستند. در قسمت بالای نقش اسب کتیبه‌ای به پهلوی ساسانی دیده می‌شود که از قسمت سر اسب شروع و به پشت اسب ختم می‌شود. این کتیبه از شش حرف تشکیل شده است. خوانش دقیق دو حرف از این کتیبه امکان‌پذیر نشد و خوانش احتمالی آن عبارت است از: $w'lt'k = wardak$ (نام خاص؟) وردک



۲. مهر دیگری با شماره ثبت ۲۲۲۹ به ارتفاع ۸ میلی‌متر، قطر ۱/۲ سانتی‌متر و وزن ۳/۴۶ گرم وجود دارد. نقش این مهر بسیار شبیه مهر پیشین است، اما تفاوت اصلی در ساخت آن است که هنرمند به صورتی بسیار انتزاعی نقش اسب بال‌داری را به تصویر کشیده که یکی از پاهای جلوی خود را بالا برده است. همچنین در نشان دادن جزئیات بدن حیوان بسیار خلاصه‌سازی کرده و در کل نقشی بسیار ابتدایی را به وجود آورده است. شاید بتوان گفت که صرف‌نظر از مهارت حکاک در ایجاد نقش مذکور، سختی جنس مهر برای ایجاد این نقش بسیار حائز اهمیت بوده و برای شخص عالی‌مقامی ساخته نشده است؛ زیرا در غیر این صورت می‌بایست از جنس بهتر و مرغوب‌تری برای ساخت این مهر استفاده می‌شد.

بر بالای بال‌ها خمیدگی‌ای شبیه هلال ماه دیده می‌شود که ممکن است با سبک هنرمند در برگرداندن نوک بال مرتبط بوده باشد. بر روی مهر در سمت راست، این خمیدگی در دو نقطه دیده می‌شود که ممکن است از آسیب‌های سطحی مهر باشد. این مهر بر خلاف مهر پیش‌گفته فاقد کتیبه است. برونر این نوع نمایش بال‌های اسب را در گروه ب دسته‌بندی کرده است و تاریخ آن را اواخر سده پنجم و ششم میلادی می‌داند (Brunner, 1978: 84). نمونه‌های قابل مقایسه این مهر در پژوهش برونر (1978: 84, Fig 185)، ژینیو و گیزلن (1982, Pl. XX, 40.7; Pl. XXI, 40.14; 1987, Pl. XI, 40.5) قابل مشاهده است.

۳. تصویر سوم مربوط به اسبی بال‌دار بر روی یک چانه گل (گل‌مهر) است. این اثر مهر با شماره ثبت ۲۲۱۱ به ضخامت ۱/۸ و قطر ۲/۳ سانتی‌متر، وزن ۱۳/۷۴ گرم است. در بسیاری از گل‌مهرهای به دست آمده از این دوران این تصویر را همراه با اثر مهرهای اداری می‌توان مشاهده کرد. در این مهر نقش ایجاد شده

بسیار به نقش اسب بال‌دار اول که کتیبه‌ای نیز به همراه داشت شبیه است و تنها اختلاف آنها در نمایش بال حیوان است که در این مورد فقط یک بال برای اسب به نمایش گذاشته شده است. برونر این سبک نمایش بال اسب را به اوایل سده چهارم میلادی نسبت می‌دهد و آن را در گروه الف دسته‌بندی کرده است (Brunner, 1978: 82). در این اثر مهر نیز کتیبه‌ای قسمت بالای اسب دیده می‌شود که خوانش آن امکان‌پذیر نشد. نمونه‌های قابل‌مقایسه با آن در پژوهش برونر (Brunner, 1978: 82, Fig 152)، ژینیو و گیزلن (Gizleni, 1982, Pl. XX, 40.8;) و فرای (Fräy, 1973, D240) قابل مشاهده است.



تحلیلی در نقش نمادین اسب بال‌دار

اسب یک ویژگی اصلی سنت حماسی بود و شاهنامه اسامی خاص اسب‌های حماسی مانند رخس، شب‌دیز، شبرنگ، بهزاد و گولگون را آورده است (Brunner 1978: 80)، در حالی که در آئین آریایی اسب مهم‌ترین جانور معرف خورشید است. اسب انواع گوناگونی دارد؛ اسب بال‌دار به همان نسبت معمول بوده است، ضمن اینکه این شکل گاه به صورت فلکی فرس اعظم (اسب بال‌دار) بازنمایی شده و گاه نیز معرف خورشید است (اکرم ۱۳۸۷: ۹۸۳). در زبان اوستایی به خورشید و خدای آپم نپات لقب دارنده اسب‌های تندرو (aurvat.aspa) داده می‌شود و علاوه بر آن، شکل فارسی میانه ارون‌دسپ (arwandasp) برای این خدایان به کار برده می‌شود؛ بنابراین، اسب با شیر تطبیق و با گاو، گوزن قرمز نر و قوچ مقابله می‌کند. افزون بر این، اسب یکی از سه شکل جسمانی است که به خدای تیشتر (حامی بارندگی و حاصلخیزی) اختصاص داده می‌شود. تیشتر دیو دروغ را در جنگ خلقت اولیه شکست داد و بنابراین، خطر و تهدید برای زندگی گیاهی و جانوری را از بین برد. یک لقب تیشتر «اسب نابودی» است. اسب، با اهمیت کمتر، سومین شکل خدای وهرام تعبیر می‌شود (Yašt 14.9 (Brunner, 1978: 81).

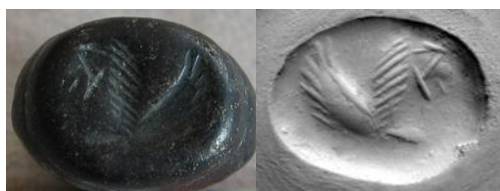
اسب بال‌دار را در رشته‌های مختلف هنر ساسانی می‌توان مشاهده کرد. بر روی پارچه‌های ابریشمی ساسانی به دست آمده از آنتی‌نوئه (شپرد، ۱۳۸۷: ۶۴۵ و ۶۴۶، تصویر ۱۱۰، ج) و تورفان، نقش قوچ و اسب بال‌دار (همان: ۶۴۸) و بر روی قطعه پارچه دیگری در برلین نقش اسب بال‌دار در چند ردیف اجرا شده است (اکرم، ۱۳۸۷: ۸۶۹). بر روی ظروف ساسانی نیز این نقش وجود دارد و در یک مورد نیز به شکل مجسمه اسب بال‌دار به عنوان پایه تخت فرمانروا (Harper, 1973, PL.19) دیده می‌شود.

روی مهرهای ساسانی اسب بال‌دار اغلب به صورتی نشان داده می‌شود که یک پای جلوی آن بلند شده است، در حالی که اسب بال‌دار یونانی - رومی معمولاً بیشتر در حالت پرواز یا چهارنعل نشان داده می‌شود و نه به حالت سکون یا تحرک اندک (Walters, 1926, pl. XXIV, 1847, 1850, pl. XXXI, 3114, 3115). در تعداد کمی از مهرهای ساسانی اسب بال‌دار به طور کامل روی چهار پا ایستاده است، بال‌ها باز هستند؛ یکی قبل از سینه اسب پیش آمده و دیگری از پای جلو بالا می‌آید (Harper, 1973: 82). گذاشتن بال برای حیوان چهارپا یا ترکیبی (اسفنگس، گریفون و هارپی) را در هزاره اول پیش از میلاد در هنر آشور و بابل شاهد

هستیم. تنها ویژگی مشخص این اسب بال‌دار ویژه، انتهای خمیده بال است. حلقه کردن نوک بال‌ها از سده سوم میلادی و در سراسر دوره هنر ساسانی به شدت رایج بوده است. نوک بال حلقه شده کمتر مرسوم است، با وجود اینکه نمونه‌هایی از این حالت در اوایل سده پنجم و بی‌شک پس از آن وجود دارد (Ibid: 83).

در کل، بر روی مهرها ما با دو بازنمایی از اسب بال‌دار روبه‌رو می‌شویم که یکی به صورت اسب با یک بال و دیگری اسب با دو بال است. طرز ایستادن این اسب‌ها که یکی از پاهای جلو را به طرف بالا خم کرده است، بسیار شبیه به اسب‌هایی است که در اکثر نقوش برجسته ساسانیان به همین حالت دیده می‌شود، به‌ویژه در نقوش برجسته نقش رجب، نقش رستم و بیشاپور. در دوران پیش از ساسانی تنوع زیادی در حالت اسب بال‌دار دیده می‌شود. به طور مثال، روی یک پلاک مفرغی مکشوف در مسجد سلیمان به صورت قائم ایستاده است (Ghirshman 1962, II, pl.xcviii)، در حالی که روی سکه‌های مفرغی اشکانی در حالت چهارنعل است (Sellwood, 1980, type 26/14, 27/4, 28/8) و در هنر ساسانی اوایل سده چهارم میلادی، حالت راه رفتن معمول است (Brunner 1978: 82).

۳-۲-۲. شیر بال‌دار



مهری به شماره ثبت ۲۲۵۱ به ارتفاع ۱/۷ و قطر ۱/۲ سانتی‌متر، وزن ۶/۶۴ گرم شیری را به صورت نشسته و بال‌دار نشان می‌دهد که دهان خود را باز کرده است. این تصویر بسیار ساده است، حالت طبیعت‌گرایی در آن دیده

نمی‌شود، بیشتر از خطوط مورب برای نشان دادن اعضای بدن استفاده شده است، پاها و دست‌های آن تصویر نشده‌اند و در کل این نقش بسیار انتزاعی به نظر می‌رسد. در انتساب این گونه مهرها به دوره ساسانی یا اشکانی بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد و لذا تعیین دقیق نسبت آن کار آسانی نیست. این مهر به احتمال زیاد، محصول کارگاهی محلی است. شباهت فراوان بین تصویر این مهر با نقوش برجسته و جام‌های طلای هخامنشی قابل توجه است. در بین گل‌مهرهای قصر ابونصر تنها یک نمونه (D.442) تصویر قسمت قدیمی یک شیر بال‌دار نمایانده شده است؛ با این تفاوت که صورت شیر تمام‌رخ و از روبه‌رو نقش شده است، اما در نمونه‌هایی که در پژوهش ژینیو و گیزلن آمده به نقش شیر بسیار شبیه است و به طبیعت‌گرایی سوق دارد (Göbl, 1976, Nr.481; Gignoux et Gyselen, 1982, PL.XXI, 40.30).

۳-۳. نیم‌تنه حیوانات

۳-۳-۱. گوزن

نقش‌مایه گوزن قرمز در ایران از پیش از تاریخ (برای مثال ظروف سفالین سیلک) تا دوران اسلامی دیده می‌شود. همین نقش‌مایه در هنر ساسانی ادامه می‌یابد. گوزن قرمز، همچون یک حیوان سلطنتی، به عنوان عنصری تزئینی روی کلاه پادشاهان اشکانی دیده می‌شود (Sellwood, 1980, type 33, 39). در هنر ساسانی گوزن قرمز یا طبیعت‌گرایانه پای جلوی خود را بلند کرده و سر را به عقب برگردانده است (Grabar, 1967, no.29 = 3db)، یا در حال نوشیدن آب روی یک قطعه گچبری دامغان (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۹۵) و یا ممکن است روی ظروف نقره در صحنه شکار سلطنتی که تعقیب می‌شود (Grabar, 1967, no.10, Ghirshman 1962, nos 252, 254).

Harper, 1981, PLs.13,16) و همچنین در صحنه شکار بر روی نقوش برجسته تاق‌بستان تصویر شده است (Fukai and Horiuchi, 1969, pls. LXXXI ff). گوزن قرمز روی مهرهای ساسانی همیشه به عنوان حیوانی زمینی، بدون بال نشان داده می‌شود. حالت‌های این حیوان، مانند حالت‌های گاو، روی چهار پا ایستاده، یک دست را بلند کرده و بیتوته کرده است (Brunner 1978 : 87).

۱. نخستین نمونه از این گروه، مهری با شماره ثبت ۲۲۵۲ به ارتفاع ۲۰ میلی‌متر و قطر ۱۷ میلی‌متر به وزن ۱۰/۷۳ گرم از جنس عقیق سرخ است. این مهر نیز به شکل نیم‌کروی با کف بیضوی است که قسمت پشت آن با نقوشی به صورت دایره‌های کنار هم تزیین شده است. این نقوش از مشخصه‌های مهرهای ساسانی هستند که در اکثر آنها دیده می‌شود. نقش روی مهر تصویر نیم‌تنه بالایی یک گوزن قرمز را در میان دو بال یا دو برگ نخل خرما نشان می‌دهد. صورت گوزن به سمت چپ برگشته است. از جنس مهر و نقوش رو و پشت آن که در کل مهری پر نقش و نگار را نشان می‌دهد، می‌توان حدس زد که متعلق به شخصی عالی‌رتبه بوده است. در این تصویر همانند سکه‌های ساسانی که تاج از روبه‌رو به نمایش درمی‌آمد، شاخ‌های گوزن نیز از روبه‌رو و سر به صورت تمام‌رخ نمایش داده شده است؛ یک نمونه بسیار مشابه از نظر رنگ و جنس سنگ و نیز نقش مهر در موزه شرق‌شناسی هاسکل به شماره ثبت A:517 وجود دارد (Williams, 1928, No.62).



۲. مهر دیگر با شماره ثبت ۲۲۳۱ به ارتفاع ۱۵ میلی‌متر و قطر ۱۲ میلی‌متر به وزن ۴/۳۱ گرم و از جنس عقیق قهوه‌ای است. در بافت مهر رگه‌ای به رنگ سفید به صورت مورب تقریباً از وسط آن عبور می‌کند و در قسمت پایین نیز رگه‌ای سیاه دیده می‌شود که در زیباتر شدن مهر تأثیرگذار بوده است. پشت این مهر بر خلاف مهر پیشین، ساده و بدون تزئین است؛ گویا هنرمند ترجیح داده است که به رگه‌های موجود در بافت مهر اکتفا کند. نیم‌تنه بالایی یک گوزن، در حالی که صورت آن به سمت چپ تمایل دارد بر روی مهر حک شده است. شاخ‌های آن با گوزن پیش‌گفته متفاوت است و به صورت عمودی تصویر شده است و شبیه گوزن‌های ایرانی است. در بالای سر روبه‌روی صورت و شاخ‌های گوزن تصویر یک ستاره پنج‌پر دیده می‌شود. تصویر ستاره، نه تنها در مهرهای نشان و نیز در تزئین لباس مهرهای شخصی دیده می‌شود، بلکه در قسمت حاشیه و پشت سکه‌ها و نیز در کل هنر ساسانی به چشم می‌خورد. خود گوزن نیز در میان دو بال یا شاید دو روبان موج قرار دارد که در برخی از مهرهای نشان نیز دیده می‌شود. سبک هنرمند برای ساخت این مهر و ایجاد نقوش در بیشتر قسمت‌ها سبک خطی است.



۳. آخرین نمونه از این گروه مربوط به مهری با شماره ثبت ۲۲۲۴ به ارتفاع ۱/۶ سانتی‌متر و قطر ۱/۳ سانتی‌متر و به وزن ۵/۲۶ گرم و از جنس عقیق قهوه‌ای است. در این نمونه با تصویر بزی کوهی با شاخ‌های بلند و صاف و با سبک خطی روبه‌رو می‌شویم. نقش بزی به فراوانی در آثار شرق باستان با

نمادهای مختلف ماه مرتبط بوده است. متداول‌ترین نوع ساسانی آن بز کوهی در حال حرکت است که نه تنها در مهرها، بلکه در پارچه‌ها و ظروف نقره‌ای ساسانی نیز دیده می‌شود (Harper, 1973, PLs. 18, 38). نیم‌تنه بز کوهی را در گچبری‌های کیش نیز داریم (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۹۵).

۳-۴. حیوانات در حال حرکت

این نوع شامل پنج مهر است که عبارت‌اند از:



۱. مهری به شماره ثبت ۵۹-۲-ن به ارتفاع ۱/۳ سانتی‌متر و قطر ۱/۷ سانتی‌متر و وزن ۵/۷۷ گرم از جنس عقیق قهوه‌ای روشن که نقش روی آن گوزنی را نشان می‌دهد که در حال یورتمه رفتن است. گوزن از نوع گوزن‌های سایگان است. این نوع گوزن، بومی

ایران نیست و بیشتر در روسیه است و از این رو، در هنر سکاها با این نقش روبه‌رو می‌شویم. هنرمند مهرساز برای ایجاد این نقش از شکل دایره‌مهر استفاده کرده و پای جلوی حیوان را طوری نمایش داده است که تابع شکل مهر باشد و حالت تناسب بین اجزاء را رعایت کرده است. در قسمت‌های قدامی حیوان از روش خطی استفاده کرده است و خطوطی را در قسمت گردن تا سینه حیوان می‌توان مشاهده کرد. شاخ حیوان نیز حالت افقی دارد و کل فضای بالای مهر را پوشش داده است. خطوطی که مهرساز در قسمت قدامی حیوان به نمایش گذاشته است، مو و پشم‌های جلوی سینه و بدن حیوان را یادآور می‌شود. نمونه این نقش با کمی اختلاف در میان مهرهای قصر ابونصر دیده می‌شود (Frye, 1973, D.11, 293, 294).



۲. مهری به شماره ثبت ۲۲۵۷ به ارتفاع ۱/۵ سانتی‌متر و قطر ۱/۱ متر و وزن ۳/۶۸ گرم از جنس عقیق سرخ (قرمز) با نقطه‌های سیاه‌رنگ که همچون خال بر روی مهر خود

نمایی می‌کنند. برخی از این نقاط سیاه‌رنگ درشت‌تر از بقیه هستند که جلوه خاصی به مهر می‌دهند. نقش روی مهر تصویر بزی کوهی با تحرکی کند و آرام را نشان می‌دهد. در قسمت میانی بدن حیوان سه خط موازی عمودی نقش را از حالت سادگی خارج می‌کند. شاخ‌های بز مانند مهر پیشین به صورت افقی به سمت عقب کشیده شده است.



۳. مهری به شماره ثبت ۲۲۴۱ به ارتفاع ۱/۱ و قطر ۱ سانتی‌متر به وزن ۲/۱۵ گرم از جنس عقیق سرخ کم‌رنگ که تصویر روی آن نقش گاوی کوهان‌دار را نشان می‌دهد؛ گاوی که خیز برداشته است و می‌خواهد بپرد یا به جلو حرکت کند. پیش از

این درباره بومی نبودن این نوع گاو در فلات ایران بحث شده است. هنرمند مهرساز در کشیدن کوهان گاو اغراق کرده و آن را بزرگ‌تر از حد معمول به نمایش گذاشته است؛ گویی قصد داشته است برای این حیوان بال به تصویر بکشد. (Gignoux et Gyselen, 1987, PL. IX, 30.54)



۴. مهری به شماره ثبت ۲۲۵۵ به ارتفاع ۱ سانتی‌متر و قطر ۰/۹ سانتی‌متر و وزن ۱/۸۹ گرم با جنس عقیق بی‌رنگ که نقش روی آن تصویر گرگی را نشان می‌دهد که به سمت جلو خیز برداشته است. گوش‌های حیوان بسیار بزرگ‌تر از حالت معمول و به صورت شاخ بز کوهی و عمودی و دهانش باز است. سعی هنرمند در نشان دادن پنجه‌های آن، ما را متقاعد می‌کند که این حیوانی درنده مانند سگ یا گرگ است. در قسمت میان بدن نیز ترکیب سه خط موازی عمودی مشاهده می‌شود. نقش گرگ در میان مهرهای ساسانی زیاد به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مهرهای قصر ابونصر دید.

۳-۵. حیوانات ایستاده

مهری به شماره ثبت ۲۲۴۲ به ارتفاع ۱ و قطر ۱ سانتی‌متر و وزن ۲/۵۶ گرم از سنگی سیاه‌رنگ با رگه‌های سفید (نوع سنگ نامشخص) که نقش روی آن شیری به حالت ایستاده و خیلی مسبک است و حاشیه‌ای مرکب از یک نوار با خطوطی به صورت هاشور زده به منظور نمایش قابی گیاهی (شبه خوشه گندم یا برگ نخل که در حاشیه مهرهای ساسانی دیده می‌شود) آن را محصور می‌کند. این تنها مهر موزه مقدم است که حاشیه تزئینی کاملی دارد و در مهرهای ساسانی کم‌نظیر است. تمامی نقوش این مهر با استفاده از سبک خطی اجرا شده است. هنرمند برای نشان دادن یال شیر نیز از روش خطی بهره برده است. لوکونین به معرفی مهری بسیار مشابه پرداخته است که تاریخ آن را قرن ششم میلادی می‌داند (1967: pic. 99).



۳-۶. حیوانات نشسته



مهری مسطح به شماره ثبت ۲۲۵۰ به ارتفاع ۱/۳ و قطر ۱/۷ سانتیمتر و وزن ۱۰/۱۶ گرم از جنس مگنتیت که بر آن تصویر شیری را به حالت نیمه‌ایستاده (نشسته بر پاهای عقب و ایستاده بر پاهای جلو) مشاهده می‌کنیم. در این مهر نیز مانند مهر پیشین در اجرای یال حیوان از روش خطی استفاده شده است؛ با این تفاوت که هنرمند در این مهر با مهارت بیشتری کار کرده است. نمونه این مهر را در (Gignoux et Gyselen, 1987, PL.VII, 30.14) می‌توان دید.

۷-۳. حیوانات خوابیده



۱. مهری مسطح به شماره ثبت ۲۲۳۸ به ارتفاع ۱/۷ و قطر ۱/۳ سانتی‌متر و وزن ۵/۸۴ گرم از جنس عقیق بی‌رنگ که نقش روی آن یک بز یا قوچ را نشان می‌دهد؛ این حیوان به حالت خوابیده قرار دارد و هر چهار پایش زیر بدنش جمع شده است.

شاخ‌های حیوان هر کدام از یک طرف سر بیرون زده و به حالت خمیده و شبیه شاخ قوچ تصویر شده است. در قسمت میانی بدن حیوان نیز سه خط موازی عمودی دیده می‌شود. نمونه مشابه آن را در (Gignoux et al., 1982, PL.XVI, 30.67; Göbl, 1976, Nr.241) می‌توان دید.

به دلیل اهمیت اقتصادی گوسفند، مذهب رفتار شایسته با آنها را سفارش کرده است. قوچ همچنین نماد سلطنتی محسوب می‌شده است. در کارنامه اردشیر پاپگان بخت پادشاهی (خوره) با این حیوان نشان داده شده است و در شاهنامه نیز تصویر مشابهی به کار گرفته می‌شود (Brunner, 1978: 91). بهرام کوشان‌شاه ساسانی شاخ‌های قوچ را درون تاج خود جای داد. این حیوان همچنین روی ظروف مختلف نقره در صحنه شکار نمایش داده شده است (Orbeli and Trever, 1935, pl.4, Harper, 1981, PLs.17,19, 27, 28). بر طبق گفته‌های مارسلینوس شاپور دوم ظاهراً سرپوش مشابهی با این نشان به عنوان تاج جنگی بر سر می‌نهادند (Ammianus Marcellinus XIX.13). بنابراین، قوچ چنان جایگاهی داشته که اغلب روی ظروف نقره به عنوان یکی از اجزاء شکارهای پادشاهی نمایش داده شده است (Orbeli and Trever, 1935, pl.5; Grabar, 1967, no.2,7; Ghirshman, 1962, fig: 245, 247, 252). گاهی اوقات قوچ مشابه اسب و گاهی مانند گوزن قرمز، با روبان‌هایی تزیین می‌شده است که به احتمال قوی جایگاه برجسته آنها را نشان می‌دهد. قوچ نیز هشتمین شکل تجسم گرفته شده از خدای وهرام است (Yašt 14.23) (Brunner 1978: 92). نمونه مشابه این مهر در پژوهش گوبل (Göbl, 1976, Nr.416) دیده می‌شود.



۲. مهری مسطح به شماره ثبت ۲۲۴۰ به ارتفاع ۸ میلی‌متر و قطر ۱۰ میلی‌متر و وزن ۱/۶۳ گرم از عقیق سرخ که نقش روی آن تصویر قوچی است که سر را به

عقب چرخانده است و پاهایش نیز مانند مهر پیشین زیر بدنش جمع شده است. به

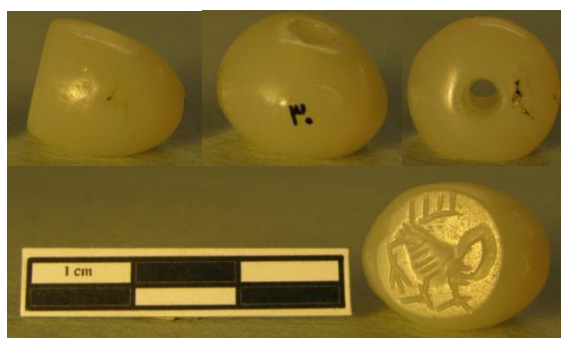
دور گردن این حیوان روبانی دیده می‌شود که معمولاً در هنر ساسانی، نه تنها روی مهرها، بلکه در نقوش برجسته و ظروف فلزی و پارچه‌ها نیز دیده می‌شود. اگرچه قوچ لمیده با روبانی در گردن نقش‌مایه‌ای رایج بر روی مهرهای ساسانی است، قوچ‌های لمیده با سرهای به عقب برگشته چنین نیستند. نوارهایی که از گردن قوچ بیرون می‌زنند، گردن‌بند مرواریدی یا تاج را محکم نگه می‌دارد که زیور استاندارد برای این حیوان بر روی

دیگر مهرها و همچنین در گچبری (von Falke, 1930: 71, fig. lower right), فلزکاری (Grabar, 1967, no. 141) و طرح‌های پارچه (Ghirshman, 1962, fig. 277) است.

حضور تاج روبان‌دار در گردن قوچ که به عنوان حلقه‌ای محصور نمایانده می‌شود و خداوند آن را به عنوان نمادی از حق فرمانروایی به پادشاه ساسانی تقدیم کرده است، باعث شده است این حیوان به عنوان تصویری سلطنتی شناخته شود و این بر تعبیر دین زرتشتی از قوچ به عنوان تجسمی از ورثرغنه (خدای جنگ و پیروزی) تأکید می‌کند که «شکوه نیک» را در بردارد.

حضور قوچ مزین به روبان روی یک مهر، در هر حال، مالکیت یا استفاده سلطنتی را نشان نمی‌دهد (Lerner, 1976: 185). نمونه مشابه این مهر در بخش آثار موزه‌های قرون میانی و جدید موزه بریتانیا با شماره AF348 دیده می‌شود. نمونه‌های دیگر این مهر در پژوهش لرنر (Lerner, 1976: 184, Fig. 2A) و گوبل (Gobl, 1976: Nr. 402) به چشم می‌خورد.

۳-۸. پرندگان



۱. مهر مسطح به شماره ثبت (؟)، به ارتفاع ۱۴ میلی-متر و قطر ۱۲ میلی-متر و وزن ۱/۷۵ گرم از عقیق بی‌رنگ که قسمت پشت آن ساده و بی‌نقش است. تصویر روی مهر احتمالاً یک خروس است که تاج بلند و کشیده‌ای به سمت عقب دارد و در منقار این پرنده شاخه‌ای دیده می‌شود. از نشانه‌های دیگری که می‌توان برای خروس بودن این نقش مطرح کرد، دم

آن است که به صورت هلالی و بسیار شبیه به دم خروس است. هنرمند مهرساز برای ایجاد این نقش از روش خطی استفاده کرده و حتی این روش را برای نشان دادن پره‌های قسمت سینه خروس نیز به کار برده است. مهر با نقش خروس را در در پژوهش ژینیو و گیزلن (Gignoux et Gyselen, 1982, Pl. XVI, 30.71-30.77) داریم، اما در این نمونه‌ها خروس بسیار زیبا و با جزئیات کامل و طبیعت‌گرا نقش شده است.



۲. مهر مسطح به شماره ثبت (؟)، به ارتفاع ۱۲ میلی-متر و قطر ۷-۹ متر و وزن ۱/۴۰ گرم از عقیق سرخ با رگه‌ها و نقطه‌های مشکی در بافت سنگ که زیبایی خاصی به آن داده است. نقش روی مهر یک کبوتر و یا به احتمال زیاد، با توجه به طرز ایجاد پای پرنده یک اردک را نشان می‌دهد. در ایجاد نقش نیز از روش خطی استفاده شده است.

۳-۹. حیوانات دیگر



مهری مسطح به شماره ثبت ۲۲۳۹ به ارتفاع ۱۱ میلی‌متر و قطر ۱۲ سانتی‌متر و وزن ۴/۷ گرم از جنس سنگ مگنتیت که نقش روی آن عقرب، از نقوش ستاره‌شناسی است. درباره نقش عقرب در دوره ساسانی در بخش مهرهای حمله شیر به گاو بحث‌هایی مطرح

شد. در مجموعه مهرهای موزه متروپولیتن نیویورک نیز نقش عقرب وجود دارد. برونر (1978: 113) بر اساس این مهرها آنها را به چهار سبک مختلف دسته‌بندی کرده است. نمونه‌های قابل‌مقایسه را در پژوهش برونر (Bruner, 1978: 113, Fig 151)، ژینیو و گیزلن (Gignoux et Gyselen, 1982, Pl.XVII, 30.95; Gignoux et Gyselen, 1987, Pl.X, 30.99 – 30.101; PL.XIII, 8)، نومان (Neumann, 2008: 345, Inv.-Nr.2237)، بوریسف و لوکونین (Borisov and Lukonin, 1963, Nr.692)، گوبل (Gobl, 1973, Typ 20a) می‌توان مشاهده کرد. در اثر مهرهای تخت‌سلیمان (Nr. 219, 227, 252) آن را به عنوان طرح فرعی مشاهده می‌کنیم. در قصر ابونصر حتی به عنوان طرح و نقش فرعی نیز از آن دیده نشده است. در سه نمونه یاد شده از تخت سلیمان، عقرب به عنوان نقشی فرعی در کنار شیرها جای دارد. عقرب و مار در مهرپرستی نقش ایفا می‌کنند (گوبل، ۱۳۸۴: ۶۰).

عقرب در نقش متعارف زردشتی، خود به عنوان جانور موزی مخلوق اهریمن (خرفستر) (Bundahišn IV.15, XXII.1, 11) و در مفهوم سودبخش خود با گیومرد، خروس، سگ، مار و با شیر و گاو ظاهر می‌شود؛ بنابراین، محتمل است که کارکردهای عقرب به عنوان نمادی از زمین، خوش‌یمن به نظر برسد (Brunner, 1978: 113).

۴. نتیجه

مجموعه مهرهایی که در این مقاله بررسی کردیم، مربوط به نقوش حیوانی است که در موضوعاتی چون نبرد حیوانات، حیوانات بال‌دار، حیوانات نمادین، نیم‌تنه‌های حیوانی و پرندگان طبقه‌بندی می‌شوند. نبرد حیوانات منحصرراً مربوط به شیر گاوشکن است که دو مهر از این نوع در اختیار داریم؛ یکی از آنها گاو کوهان‌دار است که اغلب، آن را در هنر مهرسازی ساسانی می‌بینیم و دیگری گاو بدون کوهان بومی ایران است که به ندرت بر روی مهرهای ساسانی دیده می‌شود و این مهر در زمره معدود نقوش این نوع گاو است که در هنر ساسانی دیده می‌شود. همان‌گونه که شرح داده شده، نقش‌مایه تقابل شیر و گاو، پیشینه دیر هنگام و بسیار پیچیده‌ای دارد که باید به فراخور هر دوره بررسی شود. وجود نقش عقرب در یک مهر و نقوش خورشید و ماه در مهر دیگر، تعلق این نقش به آیین مهری را قوت می‌بخشد و می‌تواند مهری بر تأیید دیدگاه پژوهشگرانی باشد که به این نظر معتقدند. جدا از سبک ماهرانه در ایجاد نقوش مهر دوم، طبیعت‌گرایی نسبتاً خوب، تزئینات هندسی به صورت دایره‌های تودرتو در پشت مهر، جنس مهر و کتیبه آن، ما را متقاعد می‌کند که در کارگاهی سلطنتی و برای شخصیت بلند مرتبه سیاسی یا مذهبی ساخته شده است.

در گروه حیوانات بال‌دار، اسب و شیر را بررسی کردیم که در این میان مهری با نقش اسب بال‌دار و کتیبه همراه آن، از سایر نقوش این گروه سبک طبیعت‌گرایی بیشتری داشت. مهرهای با نقش اسب را شاید

بتوان نماینده طبقه شاهی و سواره‌نظام ارتش ایران دانست و خوانش احتمالی کتیبه آن نیز گویای تعلق آن به شخص خاصی است. نیم‌تنه حیوانات، دو مورد نقش گوزن و یک مورد بز کوهی را در بر می‌گرفتند. حیوانات در حال حرکت، ایستاده، نشسته و خوابیده از دیگر موضوعات روی مهرهای ساسانی موزه مقدم هستند که شامل گوزن، بز کوهی، گرگ، شیر و قوچ‌اند. نقش پرندگانی چون خروس و اردک یا کبوتر نیز گروه دیگری از مهرها را تشکیل می‌داد که از این میان، نقش کبوتر یا اردک را به ندرت در مهرهای ساسانی می‌توان مشاهده کرد. نقش عقرب نیز از جمله نقوشی است که در یک مهر به صورت نقش اصلی و در مهر شیر گاوشکن به صورت نقش فرعی و پرکننده در این مجموعه وجود دارد.

مهرسازان ساسانی در زینت مهرهای این مجموعه یا از سنگ‌هایی بهره برده‌اند که دارای رگه‌های طبیعی و زیبا هستند یا در پشت مهرها به نقش‌اندازی به صورت نقوش هندسی پرداخته‌اند که مورد اخیر متعلق به مقامات ارشد سیاسی و مذهبی بوده است. بیشتر مهرهای ساسانی از سنگ عقیق ساخته شده‌اند که شاید مانند امروز، باور مذهبی در پی داشته است.

درباره نقش مهرها که از کدام طبقه جامعه ساسانی بوده است، اتفاق نظر کلی وجود ندارد، ولی اغلب نقش قوچ را برای روحانیان و اسب را برای طبقه شاهی و جنگاروان تفسیر می‌کنند. بررسی مهرهای این مجموعه اهمیت زیادی داشت و نکات نو و کلیدی در اختیار پژوهشگران قرارداد. برخی از این نکات عبارت‌اند از: نقش گاو بدون کوهان، اردک و نقش عقرب به عنوان نقش فرعی و ضمیمه نقش اصلی و چالش‌برانگیز نبرد شیر و گاو، مهر دوم در گروه نبرد شیر و گاو با طبیعت‌گرایی کم‌نظیر.

پی‌نوشت

۱. برای آگاهی از دیدگاه‌های تکمیلی ابوالعلاء سودآور در این زمینه ر.ک: Soudavar, 2014.

منابع

- اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، «مهرهای ساسانی»، سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)، جلد دوم، زیر نظر آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرم، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- بالتروشائیتیس، یوردیس (۱۳۸۷)، «گچبری ساسانی»، در مجموعه مقالات سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)، جلد اول، زیر نظر آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرم، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- پرادا، ایدات (۱۳۹۱)، هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتر آپم (۱۳۸۷)، «گچبری ساسانی: ب. پیکره‌ها»، در سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)، جلد دوم، زیر نظر آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرم، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- دبواز، نلسن سی (۱۳۸۷)، «مهرهای اشکانی»، در مجموعه مقالات سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)، جلد اول، زیر نظر آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرم، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- شپرد، دوروتی (۱۳۸۷)، «هنر ساسانی»، تاریخ ایران کمبریج (از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان)، نویسندگان احسان یارشاطر و دیگران، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- گوبل، روبرت (۱۳۸۴)، گل‌مهرهای تخت‌سلیمان؛ جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پایگاه پژوهشی تخت سلیمان.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۰)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد سوم، تهران، نشر دانشگاهی.

هینتس، والتر (۱۳۸۰)، *داریوش و پارس‌ها (تاریخ فرهنگ ایران در دوره هخامنشیان)*، ترجمه عبدالرحمان صدریه، تهران، امیرکبیر.

- Amiet, P, 1966. *ELAM*, Archee Editeur, Auvers Sur Oise, Paris.
- _____, 1977. *Glyptique Susienne (Des Origins a l' Epoque des Perses Achemeniedes)*, Memoires De La Delegation Archeologique en Iran, Librairies Orientaliste Paul Geuthner, Paris, Tome XLIII.
- Bivar, A. D. H., 1969. *Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum*, Stamp Seals, II: The Sasanian Dynasty, London.
- Borisov, A., Yand Lukonin, V.G., 1963. *Sasanidskie Gemmy*, Leningrad.
- Brunner. Christopher J., 1978. *Sasanian stamp seals in the Metropolitan Museum of Art*, New York, The Metropolitan Museum of Art.
- Darmesteter, J., 1883. (Trans.) *The Zand-Avesta. Part II. Sîrôzahs, yašts, and Nyâyiš* (F.M. Müller (ed.), *The Sacred Books of the East*, XXIII), Oxford.
- Delaporte, L., 1920. *Catalogue des cylindres, cachets et Pierres gravées de style oriental*, I, Acquisitions, Paris.
- _____, 1923. *Catalogue des cylindres, cachets et Pierres gravées de style oriental*, II, Acquisitions, Paris.
- Fukai. S., and Horiuchi, K., 1969. *Taq -i- Bustan I*, the Tokyo University Iraq – Iran Archaeological Expedition Report 10, Tokyo.
- Frye, R. N., 1973. Inscriptions and monograms on the sealings, in: Frye, R.N., (ed.), *Sasanian remains from Qasr-i Abu Nasr*, Cambridge Harvard University Press, pp. 47-65.
- Garrison. M. B., and Root, M.C., and Jones, C. E., 2001, *Seals on the Persepolis fortification tablets*, (Vol. I), Part I-II, Persepolis Seal Project, Oriental Institute of the University of Chicago (OIP 117).
- Ghirshman, R., 1962. *Persian art, the Parthian and Sassanian Dynasties*, (Trans. By S. Gilbert and J. Emmons), New York.
- Gignoux, P., and Gyselen, R., 1982. *Sceaux Sasanides de diverses collections privées*, Leuven.
- _____, 1987, *Bulles et Sceaux Sassanides de diverses collections* [Cahier de Studia Iranica n° 4], Paris, Association pour l' avancement des études irqniennes.
- Göbl, R., 1973. *Der Sāsānidische Siegelkanon* (Handbücher der Mittelasatischen Numismatik IV), Braunschweig.
- Göbl, R., 1976. *Die Tonbullen Vom Tacht – E Suleiman: ein beitrag zur spätsasanidischen sphragistik*, Tacht-E Suleiman ; Bd. 1, Berlin: D. Reimer.
- Gorelick, L., and Gwinnett, A.J., 1996. *Innovative methods in the manufacture of Sasanian seals, Iran*, 34: 79-84.
- Grabar.O., 1967. *Sasanian silver: late antique and early mediaeval arts of luxury from Iran*, Ann Arbor.
- Gyselen. R., 1989. *La geographie administrative de l' empire Sassanide*, Res Orientales, Vol. I, Paris, 1989.
- _____, 2007. *Sasanian clay sealings and seals in the collection of A. Saeedi* [Acta Iranica 44], Louvain.
- Hartner, W., 1965. *The earliest history of the constellations in the Near East and the motif of the lion-bull combat*, *Journal of Near Eastern Studies*, 24 (1/2): 1-16.
- Hartner, W., and Ettinghausen, R., 1964. *The conquering lion, the life cycle of a symbol*, *Oriens*, 17: 161-171.
- Harper, P. O., 1973. *Representational motifs on the sealings*, in Frye, R.N., (ed.), *Sasanian remains from Qasr-i Abu Nasr*, Cambridge, Harvard University Press, pp. 66-87.

- Henkelman, W. F. M., Jones, C. E., and Stolper, M. W., 2004. *Clay tags with Achaemenid seal Impressions in the Dutch Institute of the Near East (NINO) and Elsewhere*, ARTA, 001, pp. 1-66.
- Hinz, W., 1969. *Altiranische fund und forschungen*, Berlin.
- Horn, P., and Steindorff, G., 1891. *Sassanidische siegelsteine*, Berlin.
- Lerner, J. A., 1976. Sasanian seals in the Department of Medieval and Later Antiquities of the British Museum, *Journal of Near Eastern Studies*, 35 (3): 183-187.
- Lukonin V.G., 1967. Iran II – Des Seleucids aux Sassanides in collection of archaeological MVNDI, Paris
- Meadows, A.R., 2005. The administration of the Achaemenid empire, in Curtis, J., and Tallis, N., (eds.), *forgotten empire (the world of ancient Persia)*, British Museum Press, Part 9, pp. 181-209.
- Mole, M., 1967. *Dēnkard*, VII *La legende de Zoroastre selon les texts Pehlevis*, Paris.
- Neumann, G., 2008. *Sasanidische stempelsiegel aus dem archäologischen museum der Westfälischen Wilhelms – Universität, Münster*", *Altorientalische Forschungen* 35, 2, S. 337-347.
- Orbeli, J., and Trever, C., 1935. *Sasanidskii Metall*, Moscow- Leningrad.
- Sellwood, D., 1980. *An introduction to the coinage of Parthia*, Spink & Son Ltd, London.
- Soudavar. A., 2010. The formation of Achaemenid imperial ideology and its impact on the Avesta, in : Curtis, J., and Simpson, S.J., (eds.), *The World of Achaemenid Persia*, London, pp. 111-138.
- , 2014, *Mithraic Societies (from brotherhood ideal to religion's adversary)*, Personal Publishing (<http://www.soudavar.com>).
- Osten, Von Der, Henning, H., 1931. The ancient seals from the Near East in the Metropolitan Museum: old and middle Persian seals, *The Art Bulletin*, 13 (2): 221-241.
- Von Falke, O., 1930. *Sasanidische Kunst*, *Pantheon* 6.
- Walters, H.B., 1926. *Catalogue of the engraved gems and cameos in the British Museum*, London.
- Williams, M.F., 1928. The collection of western Asiatic seals in the Haskell Oriental Museum, *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, 44 (4): pp. 232-253.